

نگاهی به متفاوت‌ترین نقش‌های زنان در سینما

مهشید، سیمین، مادر و دیگران

صبا کریمی | سیر بازیهای و ترسیم شخصیت و موقعیت زن ایرانی در دهه‌های مختلف با تحولات گوناگونی همراه بوده، گاه همسو با تغییرات پیش رفته و گاهی از آنچه در متن جامعه می‌گذشته هم عقب مانده است، اما نکته جالب اینجاست که در دهه‌های گذشته و درست در میانه بیشترین

محدودیت‌ها و فشارها، اما فیلم‌سازان بسیاری بودند که کلیشه‌های رایج را شکستند و زنان را در کوران حوادث زندگی به عنوان عنصری اثرگذار و مهم به متن صحنه آوردند و راه را برای خلق کاراکترهایی جسور و متفاوت باز کردند. اگر برخی فیلم‌های پیش از انقلاب همچون «چریکه تارا»، «مرگ یزدگرد» و... را فاکتور بگیریم، در بدنه سینمای آن سال‌ها و آنچه به عنوان فیلمفارسی می‌شناسیم، نقش‌هایی که معمولاً برای بازیگران زن نوشته می‌شد، تیپ‌هایی کلیشه‌ای و همسو با فرهنگ آن زمان بود. اما در ادامه به شخصیت‌های ماندگار در سینما خواهیم پرداخت که پس از پیروزی انقلاب و با وجود محدودیت‌ها و تابوهایی که وجود داشت، شکل گرفت.

■نقش‌های جسورانه متفاوت

در سینمای ایران فیلم‌سازان بسیاری داریم که جسورانه‌ترین نقش‌ها را خلق و در سینمای ایران ماندگار کردند؛ شخصیت‌هایی که ردپایشان هنوز هم در سینما پررنگ است و بارها و بارها دستمایه الگوبرداری در فیلم‌های مختلف شده‌اند. سال‌های ابتدایی پس از پیروزی انقلاب و سینمای دهه ۶۰ عمدتاً تحت تأثیر فضای جنگ و به اقتضای شرایط آن دوره، مردانه‌محور بود، اما در همان زمان «باشو غریبه کوچک» ساخته بهرام بیضایی با کاراکتر «نایی‌جان» که سوسن تسلیمی به آن جان بخشیده بود زنی شجاع و مقتدر را با احساسات عمیق مادرانه به تصویر درآورده بود. سال ۶۸ دو فیلم مهم با دو بازیمنای متفاوت از زن ایرانی وجود داشت؛ «مادر» ساخته زنده‌یاد علی حاتمی به عنوان یکی از مهم‌ترین سمبل‌های سینمایی و تصویرگر زن در مقام مادر بود و تا دهه‌ها نیز منبع الهام یک نقش ثابت و همیشگی در سینمای ایران شد؛ چراکه خلق آن احتیاجی به ریسک نداشت و تابویی را نمی‌شکست و در عین حال تصویری دلنشین، جذاب و پرصلابت از مادر را نقش کرده بود، اما نقطه مقابل آن در همان سال «هامون» داریوش مهرجویی بود. داریوش مهرجویی از معدود فیلم‌سازانی بود که زن در اغلب آثارش یک جایگاه مهم، متفاوت و ویژه داشت. درست در سال‌هایی که زنان به نقش‌های سنتی خودشان خو گرفته بودند و با همین عناوین هم تعریف می‌شدند، مهرجویی شخصیت مهشید را خلق می‌کند. زنی از طبقه بورژوا، تحصیلکرده، هنرمند و مدرن که قالب نقش سنتی‌اش برایش تنگ و محصورکننده است. مهرجویی این شخصیت جذاب را بار دیگر در «بانو» تکرار کرد اما جسارت مهشید را از کالبد بانو بیرون کشید. تصویر زن دیگری که مهرجویی به آن جان بخشید «لیلا» بود. گرچه این کاراکتر به دلیل انفعال و تسلیمش در برابر شرایط، منتقدانی هم داشت اما همچنان «لیلا» از شخصیت‌های ماندگار سینمای ایران است. با این

■مادران ماندگار سینمای ایران
اما نباید از به‌یادماندنی‌ترین مادران سینمای ایران که در ابتدای این نوشتار به‌جذاب‌ترین آن یعنی «مادر» علی‌حاتمی اشاره کردیم، غافل شویم.جمילה‌شیخی در «مسافران»، گلاب آدینه در «زیر پوست شهر» و «میهمان مامان»، فاطمه معتمد آریا در «مهر مادری» و «ننه گیلان»، گلشیفته فراهانی در «میم مثل مادر» و مریلا زارعی در «شیار ۱۴۳» از مادران به یادماندنی سینمای ایران هستند.



زوم

فیلم‌نامه «بامداد خمار» چه تفاوتی با رمان دارد؟

حسین کیانی از کارگردانان باسابقه تئاتر درباره حضور در سریال «بامداد خمار»، پذیرفتن مسئولیت نویسندگی سریال و تغییر فیلم‌نامه با اثر داستانی توضیحاتی ارائه داد. او گفت: تأکید خانم آبیار این بود که ادبیات خالص و کمتر شنیده شده دوره قاجار شامل اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها و ویژگی‌های زبانی آن دوره احیا شود و در دیالوگ‌های شخصیت‌ها جاری باشد. اگر رمان «بامداد خمار» را خوانده باشید، می‌دانید که رمان زبان ساختارمندی ندارد و خیلی از زبان دوره قاجار بهره نبرده است. تنها به‌صورت محدود از اصطلاحات آن دوره استفاده کرده است. با وجود جذابیت و کشش

فرهنگ و هنر

پنجشنبه ۲۰ آذر ۱۴۰۴ | ۲۰ جمادی الثانی ۱۴۴۷ | ۱۱ دسامبر ۲۰۲۵ | سال سی و هشتم | شماره ۱۸۱۵ | WWW.QUDSONLINE.IR

نگاهی به تازه‌ترین اثر مصطفی مستور که ۱۷ روایت درباره زنان است

هر جا زنی باشد آنجا «سمت روشن زندگی» است



خاند سخیانی - قدس

دوم: برای خواندن این مجموعه داستان بهتر است مجموعه داستان‌های قبلی مستور را خوانده باشید یا حداقل یکی دو تا از رمان‌های او را تا جهان فکری این نویسنده را بشناسید تا بدانید این حجم رنج در این داستان‌ها عمدی نیست چون همه واقعی‌اند و نویسنده فقط دست به انتخاب آن‌ها زده و دوم اینکه جهان داستانی مستور همین است و بر رنج پنا شده و معتقد است آدم‌زاد از رنج جدا نیست و مسیر رشد از رنج می‌گذرد. (مراجعه شود به گفت‌وگوی این نویسنده با سروش صحت در برنامه «اکنون»).

به باور مستور آن کس که به این مهم پی ببرد و رنج زندگی و انسان را بپذیرد می‌تواند از آن عبور کند، در مسیر زندگی قرار بگیرد و ادامه دهد وگرنه از آدم‌های انبوه اطرافتان خواهید شد که غرق در لذت هستند اما شاد نیستند و همیشه از خودشان می‌پرسند چرا شاد نیستند؟! این‌ها همان‌هایی هستند که آغوششان را برای رنج زندگی باز نکرده‌اند و به جای پذیرفتن، همیشه از آن فرار کرده‌اند اما رنج بالاخره به سراغشان رفته و خفتشان کرده است. از این حیث اندیشه مصطفی مستور بسیار به نیچه نزدیک است.

■«فریبا» نام تمام زنان ایران

اما داستان و روایت «فریبا» یکی از بهترین داستان‌های مجموعه است. داستان یک روز یک زن خانه‌دار است که بین کارهای روزمره دلش می‌تپد تا از این روزمرگی بگیرزد. وقتی این داستان را می‌خوانیم یاد فیلم «به همین سادگی» رضا میرکریمی با بازی هنگامه قاضیانی می‌افتیم و با کتاب «رؤیای تبت» نوشته فریبا وفی.

قدرت نویسندگی مصطفی مستور در این داستان عیان است. شخصیت‌پردازی دقیق، توجه به جزئیات و نوشتن از یک روز معمولی یک زن ظاهراً معمولی که دغدغه‌هایی بسیار عمیق دارد.

فریبا می‌تواند نام تمام زنان باشد. ممکن است ما هرگز جای زنان دیگر این کتاب نباشیم اما حتماً همه ما فریبا هستیم؛ زنی به ظاهر معمولی که گاهی میان انجام دادن امور روزمره مثل جارو و گردگیری آینه، ناگهان به چهره خودش خیره می‌شود، خودش را می‌بیند که از دنیای دخترانه‌اش به دنیایی پرت شده که شاید از دنیای خودش فرسنگ‌ها فاصله دارد و ناگهان احساس غربت کرده، آن وقت حس کرده در و دیوار همان خانه‌ای که گردش را می‌گیرد او را می‌خورد. او وسط کار روزمره روی زمین می‌نشیند و چند قطره اشک می‌ریزد.

■سخت‌ترین کار دنیا

چرا «فریبا» داستان مهمی است؟ چون نوشتن از معمولی‌ها همیشه سخت‌ترین کار دنیاست. اما مصطفی مستور از پس این سختی برآمده و روایتی که از «فریبا» داده یک کلاس کامل نویسندگی برای هر کسی است که می‌خواهد داستان بنویسد اما همیشه می‌پرسد از چه بنویسد. مستور با این داستان به خوبی نشان می‌دهد نوشتن از تجربه‌های زیسته بهترین نتیجه را برای نویسنده دارد و نویسنده تا وقتی به دنبال کپی از روی دیگران و فاصله از دنیای بیرونی و درونی خودش باشد راه به جایی نمی‌برد. اگر در کلاس‌های نویسندگی مستور حتی یک جلسه شرکت کرده باشید، می‌دانید او همواره توصیه می‌کند از خودتان بنویسید. خود شما، زندگی شما و باورهایتان مهم‌ترین موضوعات نوشتن هستند. مصداق کامل این گفته، داستان فریباست. زنی سی و هفت ساله که یک پسر و دختر دارد و روزهای به ظاهر معمولی‌اش بهترین آبخشور داستان‌اند.

مستور حتماً توصیه دیگری هم به مخاطبانش و به خصوص زنان دارد. او بارها همه را دعوت کرده است به نوشتن حتی ژورنال‌نویسی چون توانایی خلق کلمه به انسان و به خصوص به زن قدرت می‌دهد؛ نیرویی حاصل از آگاهی که از نوشتن بدست می‌آید.

زنی که می‌نویسد؛ زنی سالم، قوی، استوار و سرشار از نیروی زندگی است، وفادار و پر جنب و جوش است و بی‌تردید حیات‌بخش.

نادیا؛ دختری جسور که از مشکلات پیاده‌روی‌های شبانه‌اش می‌گوید؛ آیدا؛ زنی که یک شبش را به درمان یک گربه خیابانی اختصاص داده و متوجه حقایقی در زندگی می‌شود، فریبا؛ شرح زندگی یک روز زنی به ظاهر معمولی با دغدغه‌هایی عمیق، حمیرا؛ روایت زنی که ناآگاهانه با عطا ازدواج می‌کند و آگاهانه از او جدا می‌شود، سمیه؛ زنی که در کنار همسرش احساس تنهایی می‌کند، شالی؛ روایت بارداری و زایمان یک زن، دریا؛ زنی که از جنسیتش متنفر است و به نظرش زن‌ها همه ترسو، ضعیف و احمق هستند، مهتاب؛ دختری از قوم هزاره افغانستان که پدر و مادر خانواده‌اش می‌شوند، لیلی؛ دختری که مورد تعرض قرار می‌گیرد، مینو؛ دختری که روی صورتش اسید پاشیده شده، فرزانه؛ دختری که قلبش برای محیط زیست و زنان کشرنشین می‌تپد و جانش را در ثبت مصائبی که بر آن‌ها گذشته از دست می‌دهد، لیلا؛ حال و احوال یکی از خوانندگان کتاب مستور پس از خواندن داستان‌های او، مهناز؛ زنی که عمل ماستکتومی کرده و پس از انجام این عمل و تغییر فیزیکش همسرش او را ترک می‌کند و دنیا؛ زنی روسپی و روایت عجیبی که از زندگی‌اش تعریف می‌کند تا بگوید ما خیلی چیزها از دنیای پیچیده زن‌ها نمی‌دانیم حتی گاهی خودمان هم خودمان را نمی‌شناسیم.

■پرداخت جزئیات در موجزترین جملات

مستور در هر داستان از زبان راوی به جزئی‌ترین امور یک زن با موجزترین جملات پرداخته است. داستان‌ها بدون اطناب، زندگی راوی را روایت می‌کنند و در چند صفحه به پایان می‌رسند که این موجزنویسی یکی از ویژگی‌های داستانی مستور است که از استادش آقای ریموند کارور فرا گرفته است. عنوان این کتاب حتی می‌تواند راه‌های نرفته باشد؛ مسیرهایی که اگر برای زنی پیش نیامده دلیل بر این نیست که از آن بیمه است، اما اگر در یکی از این موقعیت‌ها قرار گرفت، می‌تواند این تجربه را بخواند و یاد بگیرد و مگر داستان و قصه، خواندن نقش‌هایی نیست که آن‌ها را بر عهده نگرفته‌ایم و شخصیت‌هایی که آن‌ها را زندگی نکرده‌ایم؟

مصطفی مستور داستان‌هایش را به قصد آگاهی و دانستن می‌نویسد. به باور او آدمی هر چه درباره خودش بیشتر بداند می‌تواند به همنوع خود کمک کند و این همدلی که از آگاهی می‌آید شاید کمی از رنج زیستن و بودن، بکاهد.

او در جایی گفته است: «واقعیت هولناک زندگی همین ندانستن‌هاست. اصلاً ما نمی‌دانیم فلانی چه مشکلی دارد تا بتوانیم به او کمک کنیم یا بر زندگی او تأثیر بگذاریم. اگر داستان متعارف معنی‌اش اثرگذاری آدم‌ها روی یکدیگر است، من از قصد نخواست‌ام چنین چیزی در داستان‌هایم بگویم. از نظر من، کسی نمی‌تواند روی دیگری تأثیر بگذارد؛ چون نمی‌داند». به این صورت او درباره زنان نوشته تا هم زنان و هم مردان این اشرف مخلوقات را بهتر بشناسند و درک کنند.از این منظر هر زنی باید «سمت روشن زندگی» را بخواند تا خودش را بهتر بشناسد و هر مردی هم باید این اثر را بخواند تا آگاهانه در مسیر زندگی او قرار بگیرد.

■قواعد خواندن «سمت روشن زندگی»

مخاطب آثار مستور می‌داند داستان‌های او پرمارچا نیستند، نباید در داستان‌های او به دنبال تعلیق باشد؛ منظور این بعد سرگرمی و بعدش چه شده است، اما اگر اهل این هستید که کنار داستان‌ها حاشیه بنویسید، زیرشان خط بکشید یا با خواندن آن یاد بخش‌هایی از زندگیتان بیفتید و با چند باره خواندن یک داستان، حال می‌کنید، کتاب استاد را درپایید!

خواندن «سمت روشن زندگی» قواعدی دارد:

اول: مخاطب در مواجهه با این داستان‌ها باید صبور باشد. یعنی یک داستان را که می‌خوانید، اجازه دهید داستان در شما ته‌نشین شود و بعد بروید سراغ بعدی. ممکن است چندروز در یک داستان بمانید و رنجش نگذارد سریع پیش بروید.

خدیجه‌زمانیان | زندگی در هر مسیری که ادامه پیدا کند یک سمت روشن دارد که هر چه به آخرش برسیم آن سمت روشن، آرام آرام برای ما آشکارتر می‌شود. اگر نگاهمان به آن سمت روشن باشد به آن نزدیک می‌شویم و برایمان بزرگ و بزرگ‌تر می‌شود و شاید روزی برسد که دیگر سمت تاریک را اصلاً

نبینیم یا اینکه هست و همیشه برایمان عرض اندام می‌کند. سمت روشن زندگی اما برای مصطفی مستور جایی است که یک زن می‌ایستد؛ هر جا زنی باشد آنجا سمت روشن زندگی است.

به مناسبت امروز که روز زن و بزرگداشت مقام مادر است درباره این کتاب نوشتیم؛ اثری که مصطفی مستور آن را به زنان سرزمینش تقدیم کرده است: «برای زنان سرزمینم که همواره بی‌پروا به سمت روشن زندگی اشاره می‌کنند...».

■نویسنده‌ای پرپروش

مصطفی مستور یکی از نویسندگان برجسته معاصر است که داستان‌نویسی را از سال ۱۳۶۹ شروع کرد و با انتشار کتاب «روی ماه خدوآند را ببوس» به محبوبیت رسید. رمانی سرشار از تأملات فلسفی که ۱۰۰۸ بار چاپ شده و این حجم از استقبال خود نویسنده را هم شگفت‌زده کرده است. هر چند مستور به گفته خودش هیچ گاه برای پسند بازار و مخاطب داستان ننوشته است، اما آثارش همواره پرپروش می‌شوند.

آخرین رمان او، «معسومیت» با تیراژ ۴هزارتایی در چاپ اول به سرعت به فروش رسید و حالا «سمت روشن زندگی» جدیدترین اثر او که مهر ماه امسال منتشر شد و در این مدت به چاپ هفتم رسیده، نمونه‌هایی از این استقبال هستند. «سمت روشن زندگی» مجموع ۱۷ داستان است؛ داستان‌هایی با محوریت زنان. مصطفی مستور روبه‌روی زنان ننشسته و قصه زندگیشان را شنیده و با قلم داستانی‌اش آن‌ها را روایت کرده است. البته بعضی روایت‌ها در قالب نامه به دستش رسیده و او به آن‌ها پر و بال داده است. این مجموعه با روایت زندگی «آزاده» که یک دختر شهید است آغاز می‌شود و با روایت زندگی «دنیا»؛ دختری که تن‌فروشی می‌کند به پایان می‌رسد.

مستور در هر داستان نگاه جزئی‌نگرانه خودش را دارد، انگار سال‌ها با راوی زندگی کرده و حالات و احوالات او را زیر نظر داشته است. او هر آنچه از تجربه‌های زیسته و نویسندگی‌اش در چننه داشته برای نوشتن این کتاب به خدمت گرفته است. او در جایی گفته است چند سال وقت صرف نوشتن مجموعه «سمت روشن زندگی» کرده و به نظر می‌رسد صبورى او به نتیجه خوبی ختم شده است. مستور به خوبی وارد دنیای زنان داستان شده، به گوشه و کنار زندگی آن‌ها سرک کشیده و هر آنچه لازم بوده بر پهنه داستانش آورده تا بتواند حالات و رفتار این جنس پیچیده و لطیف را نشان دهد.

کار مهم دیگری که مستور در این اثر انجام داده، قضاوت نکردن است. او مرز میان روایت و قضاوت را به خوبی می‌داند. ورود او به داستان در مقام نویسنده و نه راوی در جای‌جای کتاب مشهود است. او وقتی خواسته به عنوان نویسنده اظهارنظری کند با فونت دیگر متن را نوشته و مخاطب متوجه می‌شود این خطوط نوشته‌های مستور نویسنده است و نه راوی. در نتیجه داستان‌ها به دور از قضاوت نویسنده نوشته شده‌اند و لحن هر داستان با شخصیت راوی همگون است.

■زن در آینه مصطفی مستور

به باور مستور، زن مرکز حیات و انرژی است. او حالش خوب باشد همه هستی حالش خوب است و اگر او حالش بد باشد همه هستی حالش بد است.

در «سمت روشن زندگی» زن‌ها فرصت یافته‌اند از خودشان و موقعیتی که خودآگاه یا ناخودآگاه در آن قرار گرفته‌اند صحبت کنند و تجربه‌های زیسته‌شان را به اشتراک بگذارند.

مستور در این داستان‌ها تجربه ۱۷ زن را به اشتراک گذاشته است؛ آزاده؛ دختری که در سوگ اسیر شده است، صدیقه؛ همسر شهید، طوبا؛ زنی که به دست همسرش کشته شده،